

یک مقاله - یک نقد

تقویم اصلاحات و سازمان تجارت جهانی

مقدمه

عضویت داده‌اند اما هنوز تقاضای آنها مورد پذیرش قرار نگرفته است. دوازده کشور دنیا نه عضو سازمان تجارت جهانی هستند و نه تقاضای عضویت داده‌اند. این ممالک عبارت‌اند از، افغانستان، سومالی، رواندا و...

از آغاز سال ۲۰۰۱ میلادی بر علیه کشورهای که عضو سازمان تجارت جهانی نیستند، تعرفه‌های تنبیهی وضع می‌شود، این تعرفه‌های تنبیهی بعضاً می‌تواند تا ۶۰۰ درصد نیز باشد. کشورهای که عضو سازمان تجارت نباشند به مرور ظرف ۵ سال آینده از سیکل تجارت بین‌الملل حذف می‌شوند. در صورتی که ایران نتواند در برش ۵ سال آینده به عضویت

در نوشتار حاضر ابتدا مقاله جناب آقای دکتر محمد حسین ادیب استاد دانشگاه اصفهان تحت عنوان «تقویم اصلاحات و سازمان تجارت جهانی» آورده شده است و در ادامه، نقد این مقاله که توسط جناب آقای دکتر امیر هوشنگ ابراهیمی اقتصاددان به رشته تحریر درآمده از نظر تان می‌گذرد.

تقویم اصلاحات و سازمان تجارت جهانی*

۱- سازمان تجارت جهانی (W.T.O) در سال ۱۹۹۵ در مراکش رسماً اعلام موجودیت کرد. تاکنون ۱۳۷ کشور به عضویت این سازمان پذیرفته شده‌اند و ۳۰ کشور نیز تقاضای

* این مقاله نقل به عین است از نشریه اقتصاد جامعه، شماره ۲۳ - شنبه ۱۳ اسفندماه ۱۳۷۹ - نوشته آقای دکتر محمد حسین ادیب.

این سازمان پذیرفته شود صادرات تقریباً غیرممکن شده و ایران در انزوای اقتصادی قرار می‌گیرد.

شرط عضویت در سازمان تجارت جهانی، حذف سوبسید از اقتصاد داخلی است. هشتاد درصد سوبسیدی که دولت ایران پرداخت می‌کند، سوبسید انرژی است. بنابراین

مهم‌ترین گام برای عضویت در سازمان تجارت جهانی، حذف سوبسید انرژی است. حذف سوبسیدها مشروعتی مردمی ندارد.

حرکت دولت در جهت حذف سوبسیدها مردم را در مقابل دولت قرار می‌دهد. شاید بیش از ۹۹ درصد مردم تصمیم درست به وسیله دولت را تصمیمی ارزیابی می‌کنند که برباقی ماندن

سوبسیدها تأکید نماید و شاید همین کمیت از مردم، دولت مطلوب را دولتی ارزیابی می‌کند که سوبسیدهایی را که ظرف ده سال گذشته حذف شده است را مجدداً برقرار می‌کند.

۲- سیاست آزادسازی اقتصاد به عنوان شرط عضویت در گات سابق و یا سازمان تجارت جهانی (حذف سوبسیدها، آزادسازی نرخ ارز

و...) را در سال ۱۹۷۰ میلادی ۸۰ کشور جهان سوم آغاز کردند و در سال ۱۹۹۰ میلادی به پایان رساندند و از حدود سال ۱۹۹۰، ۷۰ کشور دیگر

جهان سوم سیاست‌های آزادسازی اقتصاد را آغاز کردند، کشورهایی که سیاست آزادسازی اقتصاد را هنوز آغاز نکرده‌اند، یازده کشورند.

ایران همزمان با آغاز ریاست جمهوری رفسنجانی در قالب برنامه اول و سپس برنامه

دوم عمرانی کشور سیاست آزادسازی را آغاز کرد. سیاست حذف سوبسیدها در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی نیز ادامه یافت.

حذف سوبسید مرغ، گام‌های اساسی در جهت تک نرخی کردن ارز و... در زمره اقدامات انجام شده در دوران آقای خاتمی است.

۳- اما از آغاز سال جدید با قاطعیت می‌توان گفت سیاست آزادسازی که به صورت آرام، کند اما رو به جلو ظرف ده سال گذشته ادامه

داشت متوقف شده است. شرط عضویت در سازمان تجارت جهانی به اتمام رساندن سیاست آزادسازی اقتصاد است. توقف روند اصلاحات

اقتصادی به معنای نادیده گرفتن شرایط عضویت در سازمان تجارت جهانی است و ایران برای به اتمام رساندن اصلاحات بیش از

۴/۵ سال بیشتر فرصت ندارد. کلیه کشورهای در حال توسعه از اجلاسیه مراکش در سال ۱۹۹۵، ده سال مهلت دارند تا اقتصاد خود را با

ضوابط سازمان تجارت جهانی تطبیق دهند. از این زمان کمتر از پنج سال باقی مانده است. اگر ایران بخواهد به عضویت این سازمان تجارت

جهانی پذیرفته شود باید خود را با ضوابط این سازمان انطباق دهد. به پایان رساندن سیاست آزادسازی اقتصاد اجتناب‌ناپذیر است و توقف

این فرآیند کشور را در سال‌های پایانی این مهلت ده ساله با بحران رو به رو می‌کند. به عبارت دیگر اگر کشور اراده سیاسی لازم برای

عضویت در این سازمان را داشته باشد توقف روند اصلاحات در سال جاری باید با شتاب

بیشتر در سال‌های پایانی این مهلت ده‌ساله جبران شود. هر اندازه در شرایط موجود کندتر حرکت کنیم مجبوریم در سال‌های آینده سریع‌تر حرکت کنیم تا کندروی موجود جبران شود. توقف روند اصلاحات اقتصادی پیامدی جز تشدید بحران در سال‌های آینده نخواهد داشت.

۴- در آماري که بانک جهانی ماه گذشته منتشر کرد، ایران از نظر آزادسازی اقتصاد در بین ۱۵۵ کشور دنیا رتبه ۱۴۳ را دارا است. به عبارت دیگر ایران جزو یکی از دوازده کشور دنیا است که انحصاری‌ترین، غیر رقابتی‌ترین و بسته‌ترین اقتصاد دنیا را دارد. زمانی گفته می‌شد کشورهای کمونیستی در زمره غیر رقابتی‌ترین اقتصادهای دنیا هستند آمار جدید نشان می‌دهد در کشورهای کمونیستی سابق ظرف ده سال اخیر تحولات چشمگیری در جهت آزادسازی اقتصاد صورت گرفته است. وضعیت وقتی تأسف بارتر می‌شود که مدنظر قرار دهیم با وجودی که ایران رتبه ۱۴۳ در دنیا از نظر آزادسازی اقتصاد را دارد همین اصلاحات نیم بند و کند و همراه با تناقص ده ساله گذشته نیز متوقف شده است. جالب است توجه کنیم سیاست حذف سوبسید به صورت کج دار و مریز در ۲/۵ سال اول حکومت آقای خاتمی نیز ادامه داشت، اما از آغاز سال جدید متوقف شده است. اینجا این سؤال مطرح می‌شود که چه چیز جدید و یا چه پارامتر تازه‌ای در عرصه سیاست و اقتصاد ایران اتفاق افتاده است که

ضرورت توقف روند اصلاحات از آغاز سال جدید را اجتناب‌ناپذیر کرده است.

کسانی که حکم به توقف روند حذف سوبسید داده‌اند برای جامعه باید توضیح دهند استراتژی آنها برای عضویت در سازمان تجارت جهانی چیست و در صورتی که تمایلی به عضویت در سازمان تجارت جهانی ندارند باید برای جامعه روشن کنند استراتژی آنها برای مقابله با آثار عدم عضویت در سازمان تجارت جهانی (انزوا از اقتصاد بین‌الملل) چه چارچوب و مختصاتی دارد و چگونه می‌خواهند اقتصاد ایران را با بحران‌های ناشی از عدم عضویت منطبق سازند. بدترین حالت زمانی است که فرآیند حذف سوبسید متوقف شده باشد بدون اینکه برای مقابله با آثار منفی و مهلت عدم عضویت راهکار و استراتژی مشخصی داشته باشیم. آیا شرایط موجود چیزی بیش از این است؟ مسئولین اقتصادی کشور یک توضیح به ملت ایران بدهکارند، اینان باید توضیح دهند با کدامین منطق و بر اساس چه استراتژی حکم به توقف سوبسید و روند اصلاحات اقتصادی نیم بند گذشته داده‌اند.

در سال جاری قیمت حامل‌های انرژی ده درصد افزایش یافته است. در حالی که تورم در سال گذشته با آمار بانک مرکزی حدود بیست درصد بوده است. به عبارت دیگر در عمل در سال جاری در مقایسه با سال گذشته ده درصد از سوبسید انرژی مجدداً برقرار شده است. شورای عالی اقتصاد نیز به صورت ضعیف اما

قابل تشخیص در حال احیای مجدد سوبسیدهای حذف شده است. شورای عالی اقتصاد در مورد چای، شیر خشک و... در چند ماهه اخیر مصوباتی داشته است که حجم و مقدار سوبسید را افزایش داده است. سوآلی که اینجا مطرح است اینکه اقتصاد ایران به چه سمت حرکت می کند؟ آیا طراحان سیاست های جدید متوجه لوازم و لواحق انتخاب های جدید هستند؟

۵- حذف باقیمانده سوبسیدها در بهترین حالت حداقل ۲۰۰ درصد و در بدترین حالت حداکثر ۶۰۰ درصد تورم ایجاد خواهد کرد و این میزان از تورم اجتناب ناپذیر است. ایران برای عضویت در سازمان تجارت جهانی، راهی ندارد مگر اینکه این میزان از تورم را بپذیرد. اما پس از این دوره انتقالی معمولاً کشورها به ثبات نسبی قیمت های می رسند و در کشورهای در حال توسعه تورم از حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد افزون تر نمی رود. حذف سوبسیدها در دوران انتقالی فقط برای یک بار اتفاق می افتد و هر بار نیز حجمی از تورم را به اقتصاد تحمیل می کند. البته در صورتی که دولت همزمان با حذف سوبسیدها به اصلاح ساختار اداری اقدام کند و

اصلاحات پولی و مالی را به صورت قاطع دنبال کند، به نظر نمی رسد تورم از ۲۰۰ درصد افزون تر باشد، اما اگر با ساختار فعلی و بدون اصلاحات مالی جدی این روند انجام گیرد، به فهم نویسنده ۶۰۰ درصد تورم حتمی است. اشکالی که در دوران آقای رفسنجانی وجود داشت این بود که ایشان به اصلاحات پولی

پرداختند اما عنایتی به اصلاحات مالی نداشتند، به عبارت دیگر بدون اینکه اصلاح ساختار ناسالم اداری مد نظر باشد، اصلاحات پولی با قوت دنبال می شد و این به شدت کشور را دچار بحران کرد. در شرایط موجود نیز این مشکل با قوت گذشته وجود دارد. به نظر نویسنده حذف باقیمانده سوبسیدها مشکل اول مملکت نیست، حذف باقیمانده سوبسیدها مشکل بزرگی ایجاد نمی کند، در صورتی که درآمد ناشی از حذف سوبسید را در زمینه های صحیح هزینه کنیم. در سطح جاری قیمت ها دولت حدود ۶۰۰۰ میلیارد تومان به اقتصاد سوبسید غیر مستقیم پرداخت می کند که در صورت عضویت این میزان سوبسید باید قطع شود و دولت به درآمد جدیدی حدود ۶۰۰۰ میلیارد تومان دست می یابد. سوال اصلی این است که دولت می خواهد این درآمد جدید را در چه زمینه ای هزینه نماید؟ زمانی که آقای رفسنجانی به ریاست جمهوری رسیدند دولت با ۵۰ درصد کسر بودجه روبه رو بود، برای مقابله با کسر بودجه دو راهکار وجود داشت:

الف- اصلاح ساختار اداری. بوروکراسی اداری ایران کار یک نفر را به چهار نفر داده است و کاری را که بخش خصوصی با هزار تومان انجام می دهد با ۳۰۰۰ به فرجام می رساند. بهترین روش جبران کسر بودجه اصلاح ساختار اداری است. اصلاح ساختار اداری به این معناست که دولت مثلاً در طی یک برنامه

۵ ساله بکوشد با ریزش نیرو به مازاد نیروی انسانی در بوروکراسی دولتی خاتمه دهد و به مرور از نظر هزینه به عملکرد بخش خصوصی نزدیک شود.

ب- کاهش سوبسیدها و اختصاص درآمد ناشی از کاهش سوبسید به جبران کسر بودجه بوروکراسی دولتی و این کاری بود که در دوران صدارت ۸ ساله آقای رفسنجانی انجام شد. در شرایط موجود اگر سوبسیدها حذف شود بوروکراسی دولتی گرایش دارد همچون گذشته درآمد ناشی از حذف سوبسید را به خود اختصاص دهد. به عبارت دیگر شاید مشکل اصلی در شرایط موجود عبارت از این است که بوروکراسی دولتی ساختار ناسالم خود را حفظ کرده است و تمایل دارد همچون گذشته باقیمانده سوبسیدها حذف و درآمد عظیم (۶۰۰۰ میلیارد تومان) ناشی از حذف سوبسید را به خود اختصاص دهد.

به نظر نویسنده گزینه الف ۲۰۰ درصد و گزینه ب ۶۰۰ درصد تورم ایجاد خواهد کرد و شاید راه حل عملی و واقعی گزینه ای بین این دو باشد. به عبارت دیگر چیزی حدود ۴۰۰ درصد تورم اجتناب ناپذیر است. اقتصاد ایران برای اینکه سلامت خود را بازیابد و ایران بتواند خود را به کاروان جهانی (پروسه جهانی شدن اقتصاد) منطبق سازد راهی ندارد جز اینکه این میزان تورم را بپذیرد.

۵- حذف باقیمانده سوبسیدهای غیر مستقیم سه مشکل اساسی ایجاد می کند:

الف- به فهم نویسنده در خوشبینانه ترین حالت حداقل ۳۰ درصد مردم در مقابل انتخاب مرگ و زندگی قرار می گیرند. آزادسازی قیمت ها و حذف یارانه حداقل یک سوم کشور را دچار بحران عمیق اقتصادی می کند که بعضاً به نان شب محتاج می شوند. در چنین حالتی باید با ایجاد یک نظام تأمین اجتماعی این ۳۰ درصد تحت پوشش قرار بگیرند. این بحث استعداد بد فهمیده شدن دارد. عضویت در سازمان تجارت جهانی به معنای حذف سوبسید نیست. با عضویت، سوبسید غیر مستقیم حذف می شود، اما پرداخت سوبسید مستقیم به هر میزان بلامانع است. با عضویت در سازمان تجارت جهانی، باید یک نظام تأمین اجتماعی متناسب با ضوابط این سازمان تشکیل شود. حذف باقیمانده سوبسیدها زمانی عملی است که حداقل امنیت غذایی، پوشاک، مسکن، آموزش، درمان و بهداشت برای جمعیت تأمین شود و این عملی نخواهد بود، مگر اینکه یک سوم درآمد ناشی از حذف سوبسید به این گروه تخصیص یابد.

کسانی که می اندیشند بدون پوشش دادن این کمیت از مردم ایران، می توانند باقیمانده سوبسیدها را در ایران حذف کنند شناختی از جامعه ایران ندارند. در صورتی که باقیمانده سوبسیدها حذف شود و با درآمد ناشی از حذف سوبسید این گروه تحت پوشش و حمایت مجدد قرار نگیرند، این جمعیت امنیت و آرامش را از همه خواهند گرفت. در چنین حالتی ایران با

کشور را به عنوان منبع تأمین کسر بودجه واحدهای دولتی از دستورکار خارج کرد. عضویت در سازمان تجارت جهانی به معنای نفی حمایت از صنایع کشور نیست. بلکه تنها به معنای تغییر نوع حمایت است. نوع حمایت موجود از صنایع باید قطع شود، اما اشکالی از حمایت که با ضوابط سازمان سازگار باشد، بلامانع است. ایران باید بتواند نوع حمایت خویش از صنایع کشور را با ضوابط سازمان تجارت جهانی منطبق سازد. به عنوان مثال مالیات و قانون کار مشمول ضوابط سازمان تجارت جهانی نمی‌شود. ایران می‌تواند در صورت حذف باقیمانده سوبسیدها کلیه صنایع کشور را برای مدت ده سال از پرداخت مالیات معاف کند و یا حتی بدهی‌های معوق مالیاتی واحدهای صنعتی را ببخشد و یا تقسیط‌های درازمدت نمایند.

ج- عضویت در سازمان تجارت جهانی یک سری آثار مثبت و یک سری آثار منفی خواهد داشت. به عبارت دیگر با عضویت بخشی از جامعه مخاطب آثار منفی و بخشی دیگر مخاطب آثار مثبت آن قرار می‌گیرند. آنهایی که مخاطب آثار منفی واقع می‌شوند معمولاً نزول جایگاه طبقاتی و آنهایی که مخاطب آثار مثبت آن قرار می‌گیرند، صعود جایگاه طبقاتی پیدا می‌کنند. عضویت در ائتلاف اجتماعی یک سری برنده و یک سری بازنده خواهد داشت. به عنوان مثال عضویت در سازمان بار تورم سنگینی خواهد داشت. در شرایط تورمی

شورش‌های خیابانی روبه‌رو خواهد شد. این جمعیت باعکس‌العمل‌های خود وضعیتی ایجاد می‌کنند که نه موافق سیاست‌های آزادسازی باقی می‌گذارند و نه مخالف.

ماحصل کلام تنها راه حل حذف باقیمانده سوبسیدها ایجاد یک سازمان تأمین اجتماعی جدید است که بتواند به طور موثر این قشر را تحت پوشش قرار دهد در غیر این صورت بهتر است حذف باقیمانده سوبسیدها رافراموش کنیم که ظاهراً فراموش کرده‌ایم.

ب- حذف باقیمانده سوبسیدها فشار بی‌سابقه‌ای را به صنعت کشور وارد می‌کند. شاید چیزی حدود ۴۰ درصد صنایع کشور تعطیل شود. بخشی فربه از درآمد ناشی از حذف سوبسید باید صرف تجدید حیات اقتصاد ملی برگرفته از شوک حذف سوبسید شود. از صنایع کشور اکنون ۵۲ نوع عوارض و مالیات اخذ می‌شود. بسیاری از واحدهای دولتی برای جبران ضعف مدیریت و سوء مدیریت حاکم بر تشکیلات خویش و در جهت جبران کسربودجه اقدام به وضع عوارض مختلف از صنایع کشور کرده‌اند. این عوارض هزینه‌های سنگینی را بر صنعت کشور تحمیل می‌کند. حذف باقیمانده سوبسید آن چنان فشار اقتصادی بی‌سابقه‌ای را به صنعت وارد می‌کند که جز در سایه لغو بسیاری از این عوارض صنعت کشور امکان بقا نخواهد داشت. برای جبران کسر بودجه این واحدهای دولتی، باید به سراغ راه کارهای جدید رفت و صنعت

سنگین، معمولاً طبقه یک ثروتمندتر و طبقه سه نادارتر و فقیرتر خواهد داشت. در چنین حالتی مدیریت کلان کشور اگر نتواند با اخذ مالیات و عوارض، بخشی از درآمد ناشی از تورم را از طبقه یک باز ستاند و به قشر بازنده باز گرداند، کشور رادچار بحران خواهد کرد. شرط موفقیت سیاست آزادسازی اقتصاد، ایجاد یک نظام کارآمد مالیاتی است. در صورتی که در کشور سوبسیدهای غیر مستقیم حذف شود اما نتوانیم یک سیستم کارآمد مالیاتی ایجاد کنیم تا نقش باز توزیع عادلانه ثروت را ایفا کند و مجدداً در توزیع درآمد کشور تعادل ایجاد کند، مشکلات طبقاتی را در کشور تشدید کرده و این مقدمه هزینه‌های اجتماعی عدیده‌ای خواهد بود.

نیروی مازاد

عضویت در سازمان تجارت جهانی آن چنان فضای اقتصاد کشور را رقابتی می‌کند که هر سازمانی که نیروی مازاد داشته باشد نمی‌تواند در صحنه اقتصاد کشور باقی بماند و واقعیت این است که در بوروکراسی دولتی، صنایع و شرکت‌های دولتی چیزی حدود دو میلیون نیروی مازاد وجود دارد. عضویت در سازمان تجارت جهانی به معنای ریزش حدود دو میلیون نیرو از واحدهای فوق خواهد بود. در برابر این مشکل دو گزینه وجود دارد:

الف- بخشی از مدیران صنایع از قانون کار انتقاد می‌کنند از این دیدگاه که در واحدهای

آنها نیروی مازاد وجود دارد و قانون کار تعدیل نیرو را معادل اخراج تلقی و واحدهای صنعتی را مجبور به غرامتی متناسب با سابقه کارگر (چیزی بین ۲ تا ۴ میلیون تومان) می‌نماید. اینها خواستار تعدیل قانون کار در این حیطة و لابد اخراج نیروی مازاد بدون هیچ‌گونه غرامتی می‌باشند. در صورت تحقیق این گزینه و اخراج ۲ میلیون نیرو که با خانواده آنها حدود ۸ میلیون نفر خواهند شد این گروه ۸ میلیونی آن چنان فضای سیاسی کشور را ناآرام خواهند کرد که آرامش را از همه خواهند گرفت. این گزینه عملی نیست و با واقعیت‌ها سازگار نیست.

ب- گزینه دوم اعطای مرخصی اجباری به این جمعیت دو میلیونی است. روشی که برزیل یا جمهوری آذربایجان به آن متوسل شده‌اند. در چنین وضعیتی ریزش نیرو صورت می‌گیرد و واحدها از مشکل نیروی مازاد رهایی می‌یابند. اما حقوق و مزایای آنها به صورت کامل (متناسب با میزانی که در زمان تصدی دریافت می‌کردند) به وسیله صندوق بیمه بیکاری پرداخت می‌شود و تامین مالی صندوق بیمه بیکاری را نیز دولت از محل درآمد ناشی از حذف سوبسید انجام می‌دهد. این حقوق و مزایا تا زمانی که این افراد جذب شغل جدید نشده‌اند ادامه می‌یابد. برزیل با یک فرمان ۷/۵ میلیون از ۱۰ میلیون حقوق بگیر دولتی را مرخصی اجباری داد و در طی یک دوره ده ساله انتقالی حقوق و مزایای آنها را پرداخت کرد تا به مرور جذب بازار کار شدند.



باز
باز:

اظهار نظر پیرامون مقاله «تقویم اصلاحات و سازمان تجارت جهانی»*

مطالبی که در مقاله «تقویم اصلاحات و سازمان تجارت جهانی» آورده شده به طور خلاصه واجد نکات اصلی زیر است:

۱- عضویت در سازمان تجارت جهانی (WTO) به عنوان یک ضرورت غیرقابل اجتناب مطرح می‌باشد. شرط عضویت در این سازمان حذف باقیمانده سوبسیدها به ویژه سوبسیدهای انرژی در زمینه‌های مصرفی و تولیدی است.

۲- در صورت حذف باقیمانده سوبسیدها، تورم ناشی از آن به بسیاری از اقشار مردم فشار می‌آورد. همچنین حذف سوبسیدهای تولیدی به معنای عدم حمایت از صنایع تلقی گردیده و صنایع را دچار توقف تولید و تعطیلی می‌کند.

۳- برای اجتناب از تبعات حذف سوبسید لازم است:

۱-۳- سازمان تامین اجتماعی جدید ایجاد شود.

۲-۳- بسیاری از عوارض پنجاه و دو گانه‌ای که از صنایع اخذ می‌گردد حذف شود.

۳-۳- کلیه صنایع کشور از پرداخت مالیات به مدت ۱۰ سال معاف گردند و بدهی‌های معوق مالیاتی بخشوده و یا به طور درازمدت تقسیط شود.

۴-۳- به کارگران صنایع مرخصی اجباری (با حقوق) تا زمانی که مجدداً مشغول به کار گردند، داده شود.

قبل از کندوکاو در مقاله مذکور، بی‌مناسبت نیست که ابتدا به طور خلاصه به معرفی

سازمان تجارت جهانی (WTO) بپردازیم. سازمان تجارت جهانی رکن حقوقی و سازمانی نظام چند جانبه تجاری است. این سازمان تعهدات قراردادی اعضا و نحوه اجرای قوانین و مقررات تجاری داخلی توسط دولت‌ها را مقرر می‌دارد و مجمعی است که در آن روابط تجاری کشورها از طریق بحث، مذاکره و داوری شکل می‌گیرد.

این سازمان در سال ۱۹۹۵ تأسیس شد. دولت‌های عضو گات در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۳ مذاکرات دور اروگوئه را به پایان رساندند و وزرای مربوطه با امضای سند نهایی در اجلاس مراکش در آوریل ۱۹۹۴ حمایت سیاسی خود را از نتایج بدست آمده اعلام نمودند.

اعلامیه مراکش تصریح داشت که مذاکرات دور اوروگوئه «موجب تقویت اقتصاد جهانی گشته و به تحکیم تجارت، سرمایه‌گذاری‌ها اشتغال و درآمد در سراسر جهان منجر خواهد شد». سازمان تجارت جهانی تجسم عینی نتایج دور اوروگوئه و جانشین موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) است. تا پایان سال ۱۹۹۶، ۱۳۹ کشور در این سازمان عضویت داشتند و ۲۸ کشور دیگر نیز در حال مذاکره در مورد شرایط ورود به این سازمان بودند. این سازمان بر خلاف گات که تنها در مورد تجارت کالا فعالیت داشت، علاوه بر کالا، مقولاتی نظیر تجارت خدمات و تجارت افکار یا مالکیت

*. این مقاله در نقد نوشتار پیشین، توسط جناب آقای دکتر امیر هوشنگ ابراهیمی محقق و اقتصاددان نام‌آشنا به رشته تحریر درآمده است.

معنوی را نیز شامل می‌گردد. موافقتنامه WTO شامل ۲۹ سند حقوقی مجزا (کشاورزی، منسوجات و پوشاک، خدمات، خریدهای دولتی، قواعد مبدأ، مالکیت معنوی و...) می‌باشد. علاوه بر این اسناد، ۲۵ اعلامیه، تصمیم و تفاهم وزرا وجود دارد که سایر وظایف و تعهدات اعضای WTO را مقرر می‌دارد. چگونگی تقاضای عضویت در این سازمان بدین صورت است که کشور متقاضی، به عنوان اولین اقدام طی نامه‌ای تمایل خود را جهت عضویت به مدیر کل سازمان ارایه می‌کند. این درخواست بین اعضا توزیع شده و یک گروه کاری با نظر شورای عمومی سازمان جهت رسیدگی به این تقاضا تشکیل می‌شود. عضویت در گروه کاری برای کلیه اعضای ذینفع آزاد است. همراه این تقاضا یک گزارش از رژیم تجارت خارجی تهیه و ارایه می‌گردد. کشور متقاضی همزمان می‌باید از طریق مذاکرات دو جانبه به منظور تعیین امتیازها و تعهدات مربوط به گشایش بازار کالاها و خدمات خود موضوع عضویت را دنبال نماید.

بعد از معرفی به اختصار سازمان تجارت جهانی به بررسی و ارزیابی نتایج مندرج در این مقاله می‌پردازیم. نکات قابل طرح این به شرح زیر می‌باشد:

۱- اصلی‌ترین نکته مقاله مورد نقد، جزئی بودن مدل تحلیلی مورد استفاده می‌باشد. قدر مسلم با چنین مدل جزئی نمی‌توان چنین نتایج نسبتاً همه شمول و کلی استنتاج کرد. توضیحات زیر این موضوع را شفاف‌تر خواهد نمود. قدر مسلم اصلی‌ترین هدف سازمان تجارت جهانی برقراری اصول تجارت آزاد در عرصه تجارت بین‌الملل و ادغام بیشتر اقتصادهای ملی در اقتصاد جهانی می‌باشد. آزادسازی تجارتی در سطح بین‌المللی و در نتیجه جهانی شدن اقتصاد (Globalization) به عنوان یک اصل مورد قبول در عرصه اقتصاد بین‌الملل پذیرفته شده است.

گروه کاری شرایط اساسی الحاق را تعیین می‌کند و نتیجه به شورای عملکرد یا کنفرانس وزرا منعکس می‌گردد. در صورت تصویب دو سوم اعضا، این کشور به عضویت سازمان تجارت جهانی نایل خواهد آمد.

به طور متوسط فرآیند الحاق به WTO بین ۴ تا ۵ سال (به جز برخی موارد استثنایی مانند چین که بیش از ده سال طول کشیده است) به طول می‌انجامد که بستگی تام به آمادگی کشور متقاضی جهت انطباق سیاست‌ها و مقررات اقتصادی و تجاری خود با موافقتنامه‌های این سازمان (به علاوه امتیازاتی که در خصوص گشایش بازارهای خود حاضر به اعطا می‌باشد) دارد.

بعد از معرفی به اختصار سازمان تجارت جهانی به بررسی و ارزیابی نتایج مندرج در این مقاله می‌پردازیم. نکات قابل طرح این به شرح زیر می‌باشد:

۱- اصلی‌ترین نکته مقاله مورد نقد، جزئی بودن مدل تحلیلی مورد استفاده می‌باشد. قدر مسلم با چنین مدل جزئی نمی‌توان چنین نتایج نسبتاً همه شمول و کلی استنتاج کرد. توضیحات زیر این موضوع را شفاف‌تر خواهد نمود. قدر مسلم اصلی‌ترین هدف سازمان تجارت جهانی برقراری اصول تجارت آزاد در عرصه تجارت بین‌الملل و ادغام بیشتر اقتصادهای ملی در اقتصاد جهانی می‌باشد. آزادسازی تجارتی در سطح بین‌المللی و در نتیجه جهانی شدن اقتصاد (Globalization) به عنوان یک اصل مورد قبول در عرصه اقتصاد بین‌الملل پذیرفته شده است.

اما اینکه فکر کنیم تنها با حذف سوبسید، به عنوان پیش شرط اصلی، می‌توان این هدف تجارت آزاد را محقق و به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمد، تصویری ساده‌انگارانه می‌باشد.

اولاً پیش شرط‌های متعددی از جمله اعمال سیاست‌های تثبیت اقتصادی شامل: یکسان‌سازی نرخ ارز، خصوصی سازی، کاهش تصدی‌های دولتی، مقابله با انواع انحصارات (به ویژه انحصارات دولتی)، مقررات زدایی

همراه با برداشتن کنترل‌های قیمتی، شفاف سازی و کاهش حمایت‌های تجارت خارجی (در کنار حذف سوبسیدهای مستقیم و غیر مستقیم به ویژه سوبسیدهایی که بر اصل مزیت‌های نسبی تاثیرگذار بوده و قیمت‌های واقعی را از قیمت‌های تعادلی و سایه‌ای دور می‌سازد)، از جمله پیش شرط‌های اساسی می‌باشد.

با نگاه کردن به برنامه کاری WTO در کنار این پیش شرط‌ها بحث نظام حقوقی (Legal System) و تأکید بر مالکیت معنوی و نیز برقراری قوانین و مقررات مناسب سرمایه‌گذاری خارجی از موضوعات مهم قابل توجه دیگر است. انتظار می‌رود در آینده‌ای بسیار نزدیک مباحث زیست محیطی نیز از طریق سازمان تجارت جهانی به مسایل تجارت بین‌الملل مرتبط گردد. همانگونه که یاد شد تنها بحث حذف سوبسیدها را به عنوان شرط عضویت در سازمان تجارت جهانی مطرح کردن، جزئی‌نگری است و مدل تحلیلی مورد استفاده را می‌توان به صورت یک مدل جزئی (Partial Model) مورد ارزیابی قرار داد.

اگر تمامی اجزای یک مدل عمومی (General Model) را جهت تحلیل آثار و عواقب اقتصادی و اجتماعی آزادسازی تجاری و ادغام

در اقتصاد جهانی به منظور عضویت در WTO مورد توجه قرار دهیم، نتایج تحلیلی ما بسیار متفاوت و راه‌ها بسیار پیچیده‌تر از حذف سوبسیدها (و مهم‌ترین آنها سوبسید انرژی) خواهد بود.

قدر مسلم تحقق چنین هدفی در قالب یک برنامه‌گذار ممکن خواهد بود. متأسفانه تجربه اجرای ناقص (متاثر از فشار گروه‌های ذینفع) این سیاست‌ها در دوران برنامه اول، عذر موجهی برای رانت جویان سیاسی - اقتصادی در مقابله با اصلاحات اقتصادی فراهم آورده است.

به عنوان نتیجه این بند، انجام اصلاحات اقتصادی ضرورت دارد. انجام این اصلاحات می‌تواند به صورت تدریجی (Gradual) باشد و نیازی به اصلاحات همه جانبه سریع (Big Bang) وجود ندارد. لازمه اصلاحات تدریجی عزم و اراده ملی است و مقاومت در برابر فشارهایی که تمایل به حفظ وضع موجود در نتیجه به عقب برگرداندن جریان اصلاحات اقتصادی دارند. بدین منظور تدوین یک برنامه مرحله‌بندی و زمان‌بندی شده ضروری است. پیش‌بینی می‌گردد آثار اقتصادی - اجتماعی چنین برنامه‌ای در کوتاه مدت بسیار سنگین باشد.

برای کاهش هزینه‌های اقتصادی - اجتماعی، راه حل‌های مناسبی با توجه به تجربه سایر کشورها - که در این مسیر گام گذارده‌اند - وجود دارد. انجام این اصلاحات همه جانبه اقتصادی شرایط لازم و کافی جهت عضویت در سازمان

تجارت جهانی می‌باشد.

عضویت در سازمان تجارت جهانی به اقتصاد کشور امکان توسعه بیشتر را می‌دهد. گسترش بازارها و دسترسی به بازارهای جهانی و در نتیجه انطباق شرایط رفاه مادی و معنوی مردم یک کشور با استانداردهای زندگی جهانی، هدف‌نهایی و اصلی عضویت در سازمان تجارت جهانی می‌باشد.

بنابراین باید عضویت در سازمان تجارت جهانی را به عنوان یک ابزار سیاستی و نه هدف ارزیابی نمود. ابزاری که انتظار می‌رود با گسترش بازارهای جهانی و رقابتی‌تر شدن نظام اقتصادی جهانی موجبات توسعه اقتصادی - اجتماعی و در نتیجه رفاه بیشتر را برای مردم به ارمغان آورد.

این، به طور خلاصه و تقریبی آن مدل عمومی است که به کمک آن می‌توان ضمن بررسی تمامی شرایط عضویت در WTO و در نتیجه کلیه متغیرهای مهم اقتصادی و بعضاً سیاسی، به تحلیل جامع‌تر آثار اقتصادی - اجتماعی این عضویت پرداخت و راه حل‌های مناسب جهت رفع مشکلات بر سر راه آن را تعیین نمود.

۲- در پرتو مدل عمومی که کلیات آن در بند قبلی به اختصار ذکر شد ارزیابی مقاله ساده‌تر می‌شود؛ در نتیجه:

الف- این استدلال که تنها شرط عضویت در سازمان تجارت جهانی حذف سوبسید است، استدلالی اشتباه‌آمیز است.

ب- این ادعا که ایران در صورت عدم حذف سوبسید در انزوای اقتصادی قرار می‌گیرد، با وجود صادرات نفت، اغراق‌آمیز است.

ج- این ادعا که در دوران ریاست جمهوری جناب آقای خاتمی به مسئله سوبسیدها پرداخته نشده است نیز صحیح نیست. چرا که در برنامه پنج ساله سوم تنها به برقراری سوبسید کالاهای اساسی و نهاده‌های کشاورزی در طی برنامه سوم تأکید شده است و به طور ضمنی دلالت بر کاهش، تعدیل و حتی حذف مابقی سوبسیدها دارد. همچنین در قانون بودجه سال ۱۳۸۰ پیش‌بینی شفاف‌سازی انواع سوبسیدها گردیده است که گام اساسی در جهت کاهش، تعدیل و حتی حذف آن‌ها خواهد بود.

د- چگونگی پیش‌بینی نرخ تورم بین ۲۰۰ تا ۶۰۰ درصد در صورت حذف سوبسیدها روشن نیست. بسیار بعید به نظر می‌رسد که حذف کلیه سوبسیدها به تنهایی موجب افزایش قیمت‌ها به میزان ۶ برابر گردند. این بدین معنی است که در حال حاضر متوسط سطح قیمت کالاها و خدمات عمده مصرفی تا حدود ۱۶ برابر قیمت‌های بدون سوبسید می‌باشد. در صورتی که باید دید که در قیمت تمام شده سبب منتخب کالاها و خدمات مصرفی، سوبسیدها چند درصد وزن دارند.

به هر حال مبنای پیش‌بینی روشن نیست و غیرممکن به نظر می‌رسد که سطح متوسط قیمت تنها به دلیل حذف سوبسید تا ۶ برابر افزایش

(از جمله مهم‌ترین مسایل آلودگی محیط زیست) مورد بازنگری قرار داد. متأسفانه در اقتصاد ایران به تمامی ابزارهای سیاستی اقتصادی (مالیات، تعرفه‌های گمرکی، نرخ بهره، عوارض و...) به صورت روش تامین مالی دستگاه دولتی و عمومی نگاه می‌گردد.

ط- تنها با مرخصی اجباری مشکلات صنعت و سرمایه‌گذاری حل نمی‌شود. اصلاح قانون کار ضرورت دارد و قطعاً از جمله مواردی است که در هنگام بررسی عضویت ایران در WTO مورد تاکید قرار خواهد گرفت.

۳- در این مقاله نکات صحیحی نیز وجود دارد که برخی از آنها به طور خلاصه عبارت‌اند از:

الف- عضویت در WTO یک ضرورت است.
ب- سوبسیدها باید هدفمند و حتماً جنبه حمایت اجتماعی داشته باشند و این‌که در چارچوب سازمان معین (سازمان تأمین اجتماعی با تعریف ساختار و مدیریت جدید) پرداخت‌های جبرانی صورت گیرد.

ج- حذف سوبسید قطعاً خط فقر را بالاتر برده و به دلیل عدم امکان تعدیل درآمد اکثریت مردم، تعداد بیشتری از افراد زیر خط فقر قرار می‌گیرند. درآمد سرانه حدود ۱۰۰۰ دلار تنها با توجه به وجود انواع سوبسیدها و کنترل‌های قیمتی جواب‌گوی ضروریات زندگی (هر چند در سطح بسیار پایین) مردم می‌باشد. با حذف سوبسیدها درآمد سرانه حدود ۱۰۰۰ دلار بسیار مشکل‌آفرین خواهد بود.

یابد. در این رابطه متوسط نرخ دستمزدها و نرخ ارز نیز از متغیرهای قیمتی بسیار تعیین‌کننده خواهد بود.

ه- ریزش نیروی انسانی مازاد به معنی اصلاح ساختار اداری نبوده بلکه می‌تواند نتیجه آن باشد. در بحث اصلاح ساختار اداری، تناسب ساختار اداری با نظام جدید اقتصادی مد نظر می‌باشد.

و- کسر بودجه در دوره ریاست جمهوری جناب آقای رفسنجانی تنها از طریق حذف سوبسیدها تامین مالی نگردیده است. در این رابطه درآمدهای حاصل از واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، افزایش درآمدهای ارزی، تغییر نرخ تبدیل درآمدهای ارزی به ریال، افزایش بار مالیاتی و افزایش بدهی‌های خارجی از جمله موارد مهم تامین مالی کسر بودجه بوده‌اند.

ز- اصلاح نظام مالیاتی ضرورت دارد؛ در غیر این صورت برقراری معافیت مالیاتی پاک کردن صورت مسئله خواهد بود.

ضمن اینکه اگر سوبسید را به تعبیری مالیات منفی تلقی کنیم، حذف مالیات به معنی برقراری یک نوع سوبسید جدید و حمایت جدید خواهد بود. که این امر با منطق اصلی نویسنده که همان حذف سوبسید است در تعارض خواهد بود.

ح- عوارض می‌باید هدفمند گردند و نه این‌که حذف شوند. بحث عوارض را می‌باید در قالب بحث کالاهای عمومی و مزایا یا مضار خارجی